



ضرورت تشخیص و حفظ مرزها برای پیشگیری از التقاط در عرفان اسلامی

يك پژوهشگر عرفان با تأکید بر ضرورت تشخیص و حفظ مرزهای هستی‌شناسی اسلامی، خاطرنشان کرد: باید با ترسیم مرز میان هستی‌شناسی اسلامی و دیگر هستی‌شناسی‌ها از افتادن در دام التقاط و یا تطبیق غیرمنطقی پیشگیری و به این وسیله عرفان اسلامی را معرفی کنیم.

يك پژوهشگر عرفان با تأکید بر ضرورت تشخیص و حفظ مرزهای هستی‌شناسی اسلامی، خاطرنشان کرد: باید با ترسیم مرز میان هستی‌شناسی اسلامی و دیگر هستی‌شناسی‌ها از افتادن در دام التقاط و یا تطبیق غیرمنطقی پیشگیری و به این وسیله عرفان اسلامی را معرفی کنیم.

حجت‌الاسلام و المسلمین رسول رضوی، عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، عرفان اسلام را عرفانی کامل و شفاف خواند که غایت آن براساس صریح آیات و روایات، شناخت خداوند برای عبادت اوست و افزود: اشتباهی که برخی از افراد مرتکب می‌شوند و موجب گمراهی آن‌ها می‌شود این است که به دنبال راه میان‌بر هستند؛ در حالی که هیچ راه میان‌بری وجود ندارد.

وحدت وجود و وسوسه رسیدن به خدا از راه‌های میان‌بر

رضوی افزود: برای مثال در اسلام گفته می‌شود که اگر انسان به تمام واجبات عمل کند و منهیات را ترك کند، بنده صالح خدا می‌شود، اما در عرفان مبتنی بر هستی‌شناسی گنوسی گفته می‌شود که اگر فرد برخی اعمال را انجام دهد، خود خدا خواهد شد. این باوری است که وسوسه‌ای خیلی بزرگ را پیش روی فرد قرار می‌دهد و فرد با توجه به این می‌گوید وقتی من بتوانم با چند ذکر خود خدا شوم، چرا به اعمالی تن دهم که در نهایت، با همه آن‌ها، بنده خدا خواهیم بود.

در حالی که راه میان‌بری وجود ندارد و بایستی براساس واجبات و مستحبات و مکروهات و محرمات عمل کرد، بعضی افراد را به راه‌های دیگری دعوت می‌کنند و به ظاهر مقصد را نزدیک‌تر می‌نمایند، اما در عمل، اگر کسی در آن راه برود، می‌بیند که دورترین و غیرواقع‌بینانه‌ترین و سرمایه‌بر بادده‌ترین راه‌ها و راهکارها هستند و تا به حال نیز هیچ کس از این راه‌ها به مقصد نرسیده است. این محقق و پژوهشگر عرفان مشکل این گونه گرایش‌ها را در مبنای فکری آن‌ها دانست، و اظهار کرد: پذیرفتن وحدت وجود، وسوسه رسیدن به خدا از راه‌های میان‌بر را ایجاد کرده است. این افراد به نوعی همه‌خدایی در جهان قائل می‌شوند و در نتیجه راه رسیدن به خدا را در گفتن چند ذکر و انجام بعضی کارهای خاص می‌دانند؛ در حالی که اگر به چنین مبنایی معتقد نباشند، مسلماً این راهکارها و راه‌ها برایشان پوچ و بی‌معنا خواهد شد.

وی با ارائه مثالی گفت: در اقتصاد، بانکداری یا نظام گردش مالی وجود دارد که با قوانین و قواعد خاص خود، عمل می‌کند، اما گاه در کنار این سیستم معقول، شرکت‌های هرمی پیدا می‌شوند؛ که به دنبال این هستند و چنین ادعا می‌کنند که با شیوه‌ها و راه‌های میان‌بر، افراد را به ثروت می‌رسانند و عده‌ای نیز فریب این جریان‌ها را می‌خورند. در حالی که هر انسان عاقلی می‌داند که در جامعه و در اقتصاد سالم، راهکارهای اقتصادی مشخص است و راه میان‌بری وجود ندارد. اما همین شرکت‌های هرمی با وعده‌های فریبنده‌ای که براساس توصیف‌های غلط از فعالیت اقتصادی و مالی می‌دهند، عده‌ای را به سوی خود جذب می‌کنند.

رضوی اضافه کرد: همان گونه که جذب شدن عده‌ای به شرکت‌های اقتصادی هرمی دلیلی بر حقانیت راه‌های اقتصادی آن‌ها نیست و نتایج حاصل از این گونه فعالیت‌ها، فقط می‌تواند دلیلی بر دروغ‌گویی و غیرواقع‌نگر بودن متولیان این شرکت‌ها باشد، همین اتفاق در عرفان هم می‌افتد و در حالی که راه میان‌بری وجود ندارد و بایستی براساس واجبات و مستحبات و مکروهات و محرمات عمل کرد، بعضی افراد را به راه‌های دیگری دعوت می‌کنند و به ظاهر مقصد را نزدیک‌تر می‌نمایند، اما در عمل، اگر کسی در آن راه برود، می‌بیند که دورترین و غیرواقع‌بینانه‌ترین و سرمایه‌بر بادده‌ترین راه‌ها و راهکارها هستند و تا به حال نیز هیچ کس از این راه‌ها به مقصد نرسیده است.

ضرورت پرداختن به مباحث هستی‌شناسانه

عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث با بیان این که برای معرفی عرفان اسلامی حتماً باید بر مباحث هستی‌شناسانه کار بیشتری صورت گیرد، اظهار کرد: ما ابتدا باید تصویر دقیقی از هستی به مخاطبان ارائه دهیم و در مرحله بعد از راهکارها سخن بگوئیم.

هستی‌شناسی گنوسی و بودیسم بر اسلام سابقند و پیش از اسلام نیز با هم در معارضه بودند؛ لذا با پیدایش اسلام زمینه‌ساز

شکل‌گیری جریان عظیمی به نام صوفیه در جامعه اسلامی شدند و البته هیچ گاه نیز از بین نرفتند و همیشه در جامعه ما حضور داشته‌اند. بنابراین نباید گمان کرد که این مسائل و آسیب‌هایی که ما با آن‌ها مواجهیم، مسائلی جدید است. مهمترین بحث قرآن و روایات، معرفی هستی‌شناسی است/ نمی‌توان يك مکتب واحد را به عنوان فلسفه اسلامی مطرح کرد

وی در پاسخ به این پرسش که اصول و چارچوب این هستی‌شناسی را در صورتی که نتوان در الگوهای متعارف فلسفه، کلام و یا عرفان کلاسیک جویا شد، در کجا باید سراغ گرفت؟ عنوان کرد: اسلام خود این هستی‌شناسی را معرفی می‌کند و اتفاقاً مهمترین بحث قرآن و روایات، معرفی هستی‌شناسی است. نباید به فلسفه یا عرفان نظری و این‌ها مراجعه کرد؛ به دلیل این که فلسفه مکاتب مختلفی دارد و فلسفه اسلامی نیز مکاتب و قرائت‌های مختلفی را شامل می‌شود؛ هم فلسفه اسلامی مشاء وجود دارد و هم فلسفه اسلامی متعالیه. هم مکتب حکمت متعالیه را دارید و هم مکتب ملارجعلی تبریزی را؛ و هر دو ادعای اسلامی بودن را دارند. بنابراین نمی‌توان يك مشرب و مکتب واحد را به عنوان فلسفه اسلامی مطرح کرد و نمی‌توان گفت فلان مکتب است که هستی‌شناسی اسلامی را ارائه می‌دهد.

ضرورت مشخص کردن و حفظ مرزها، برای پیشگیری از التقاط و تطبیق غیرمنطقی

رضوی بیان کرد: دلیل این امر این است که وقتی اسلام در خاورمیانه ظهور کرد، پیش از آن، جریان‌های دیگری نیز در این منطقه وجود داشتند و در زمینه عرفان هستی‌شناسی گنوسی و بودیسم بر اسلام سابقند و پیش از اسلام نیز با هم در معارضه بودند؛ لذا با پیدایش اسلام زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان عظیمی به نام صوفیه در جامعه اسلامی شدند و البته هیچ گاه نیز از بین نرفتند و همیشه در جامعه ما حضور داشته‌اند. بنابراین نباید گمان کرد که این مسائل و آسیب‌هایی که ما با آن‌ها مواجهیم، مسائلی جدید است و به تازگی رخ داده؛ بلکه این چالشی است که از ابتدا وجود داشته و امروز هم وجود دارد و شاید تا ظهور حضرت صاحب الزمان(عج) نیز همچنان ادامه داشته باشد.

وی با تأکید بر این که آن چه مهم است مشخص کردن و حفظ مرزهاست، خاطرنشان کرد: ما باید بتوانیم با توجه به تقابل‌های موجود، مرز میان هستی‌شناسی اسلامی و دیگر هستی‌شناسی‌ها را ترسیم کنیم تا بتوانیم از افتادن در دام التقاط و یا تطبیق غیرمنطقی پیشگیری و به این وسیله عرفان اسلامی را معرفی کنیم.